

مقدمه

آشنایی با آداب و رسوم ملل مختلف جهان یکی از اهداف درس تاریخ در مدارس است. اما از آنجا که کتب درسی از این جهت دارای محدودیت‌هایی می‌باشند، لذا باید راه دیگری نیز برای افزایش اطلاعات خود جست‌وجو کنیم. این مقاله دربارهٔ اعتقادات مصریان باستان، مومیایی اجساد مردگان خصوصاً فرعون‌ها و نیز روش‌های مختلف مومیایی کردن است. امید است مورد توجه همکاران محترم قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: مومیایی‌های مصر، مصر باستان



کانوپیک

مومیایی‌های مصر باستان

ترجمهٔ مرحوم محمد زمان باقری
دبیر تاریخ، بوئین میاندشت

پرواز می‌کرد ولی شب، هنگامی که احتمال می‌داد سر و کلهٔ ارواح شیطانی پیدا شود، به قبر خود باز می‌گشت. حال، برای اینکه روح بتواند آرامگاه خود را پیدا کند، باید تشخیص می‌داد که از کدام جسد خارج شده است. از این رو مصری‌ها جسد مرده را به بهترین راه ممکن محافظت و نگهداری می‌کردند یعنی آن را «مومیایی» می‌کردند.

واژهٔ مومیایی منشأ مصری ندارد بلکه از واژهٔ عربی «مومیاه»^۱ که به معنی حفاظت بدن به وسیلهٔ موم یا قیر طبیعی است، نشئت گرفته و از آن به‌عنوان روش‌هایی که مصریان برای محافظت جسد اموات خود به‌کار می‌بردند، استفاده شده است. روند انجام عمل مومیایی در مصر باستان همراه با مراسم مذهبی خاص انجام می‌گرفت. یک

مثل زن یا فرشتهٔ محافظ بود که بیشترین وظیفهٔ خود را پس از مرگ شخص انجام می‌داد بدین معنا که تا زمانی که «کا» در وجود او بود، آن شخص زنده بود. اما هنگامی که شخصی کای خود را از دست می‌داد می‌مرد. اما «کا» نمی‌مرد بلکه به مرده، پس از مرگ، ملحق می‌شد و به زندگی شاد و همیشگی خودشان ادامه می‌دادند.

فرد مصری علاوه بر بدن و «کا» یک «روح»^۲ نیز داشت که در هنگام مرگ از وجود او خارج می‌شد و پرواز می‌کرد. روح همچون پرنده‌ای بود که سری مانند سر انسان داشت و در چهرهٔ شخص مرده حلول می‌کرد. در طی زندگی فرد در این جهان روح در پیکر او، احتمالاً جایی در شکم یا در قلب او، اقامت می‌کرد. اما پس از مرگ آزاد می‌شد و در اطراف جهان

مصریان باستان به زندگی پس از مرگ اعتقاد داشتند، اما تناقض‌هایی در رابطه با جهان دیگر در اعتقاداتشان وجود داشت. آن‌ها از سویی معتقد بودند که مردگان در آرامگاه خود به زندگی‌شان ادامه می‌دهند و از سوی دیگر عقیده داشتند که آن‌ها پس از مرگ به مکان‌های دور و باصفا سفر می‌کنند. ظاهراً برای حل چنین تناقضی بود که آن‌ها برای هر دو جهان وسایل و امکانات مورد نیاز را فراهم می‌کردند. در هیچ تمدنی تدارک چنین ملزومات جزئی که مصریان برای حفظ و نگهداری اموات در نظر می‌گرفتند دیده نشده است.

به عقیدهٔ مصریان هنگامی که یک نوزاد مصری متولد می‌شد همزمان با او یک «همزاد» نامرئی نیز که «کا»^۳ نامیده می‌شد، پا به عرصهٔ وجود می‌گذاشت. «کا» چیزی

دوره هفتاد روزه برای آماده‌سازی مومیایی لازم بود و هر مرحله با مراسم روحانی خاصی همراه می‌شد. کارگاه مومیگران ممکن بود جایی ثابت- مثل در مکان‌هایی که متعلق به پرستشگاه‌های بزرگ بود- باشد. اما اغلب یک چادر متحرک و مقاومی بود که در نزدیکی منزل شخص مرده برپا می‌کردند.

نخستین گام در آماده‌سازی جسد برای انجام عمل مومیایی عبارت بود از خالی کردن قسمت‌هایی از جسد که متعفن و فرسوده بود. مومیگران جسد را بر روی جایگاه باریکی که به شکل میز بود قرار می‌دادند و کار خود را شروع می‌کردند. مغز مرده را از طریق سوراخ‌های بینی او به وسیله

نیشتر و یا قلاب‌های فلزی گوناگون بیرون می‌آوردند. با چنین روشی مغز به اجزای کوچک‌تری تقسیم می‌شد. به همین علت اجزای بسیار ریز مومیایی نمی‌شدند. اما دور هم ریخته نمی‌شدند. مومیگران سپس به سراغ قسمت چپ بدن مرده آمده، امعا و احشای او را در می‌آوردند، ولی به قلب او دست نمی‌زدند.

آن‌ها ریه، کبد، معده، روده‌ها و سایر اعضای جزئی بدن را در کوزه‌های جداگانه‌ای که کوزه‌های «کانوپیک»^۷ نام داشتند قرار می‌دادند و برای حفاظت و نگهداری آن را تسلیم خدای خاص خود می‌کردند.

پس از مراحل فوق به سراغ محافظت

خود بدن می‌آمدند. این مرحله شبیه فرایند نمک سود کردن ماهی بود. اما به جای نمک معمولی از «ناترون»^۸ - ترکیبی از کربنات سدیم و بی‌کربنات سدیم، با کلراید سدیم (نمک معمولی) و سولفات سدیم به‌عنوان ناخالصی- استفاده می‌کردند. (ناترون در مکان‌های معدودی در مصر یافت می‌شود. آبی که حاوی ناترون است به‌صورت محلول به روی سطح می‌آید و بخار می‌شود و ناترون آن ته‌نشین می‌شود.)

بسته‌های کوچک ناترون را که در پارچه‌های کتانی پیچیده شده بود در داخل جسد قرار می‌دادند. قسمت بیرونی بدن نیز با ناترون شل به‌صورت، در بسته‌هایی که در پارچه‌های کتانی اندود شده بود، پیچیده می‌شد. آب‌وهوای گرم و خشک مصر فرایند خشک کردن را سرعت می‌بخشید. پس از آنکه رطوبت بدن توسط ناترون جذب می‌شد بسته‌ها را از روی جسد برمی‌داشتند و جسد را با آب و اسفنج می‌شستند. سپس پوست بدن با صمغ کاج تدهین می‌شد و حفره‌های بدن با لایه‌های کتانی که به همان مواد آغشته شده بودند پر می‌شد. در این هنگام جسد آماده بانداپیچی با باندهای متعدد می‌شد که اصطلاحاً به آن مومیایی می‌گوییم.

در مومیایی تنها از پارچه‌های کتانی برای پوشش استفاده می‌شد و برای اینکه ظاهر کار زیباتر باشد در حفره‌هایی که در عمل خشک کردن به‌وجود آمده بودند لفاف‌های کتانی قرار می‌دادند. دست‌ها، پاها و حتی گاهی اوقات انگشتان دست‌ها و پاها را به‌طور جداگانه بانداپیچی می‌کردند. سپس سرتاسر بدن را به‌وسیله چندین لایه لفاف پیچی می‌کردند و بین لایه‌ها از صمغ جهت چسباندن لایه‌ها به یکدیگر استفاده می‌کردند. این پوشش کتانی که در عمل مومیایی به‌کار می‌رفت چند صد متر مربع بود. لایه‌های لفاف ۶ تا ۱۰ فوت مربع و باندها ۲ تا ۸ اینچ عرض و ۳ تا ۲۰ فوت



تابوت دو لایه مومیایی ها

طول داشت. در بیشتر مواقع از پارچه‌های کتانی، که برای بان‌پیچی در عمل مومیایی به‌کار می‌رفت، فقط به‌عنوان لفاف استفاده نمی‌شد بلکه از پارچه‌های خانگی قدیمی نیز که برای این هدف نگهداری می‌شد، استفاده می‌کردند. اغلب نام صاحبان قبلی آن پارچه بر روی آن نوشته می‌شد. این نام‌ها در اثر شست‌وشوی متوالی از بین می‌رفت. گاهی اوقات باندها حاوی متن‌های مذهبی کوتاهی بودند که با مرکب بر روی آن‌ها نوشته می‌شد. هنگامی که عمل لفاف‌پیچی

می‌طلبید. نجارها تابوت یا مجموعه‌ای از تابوت‌ها را می‌ساختند که هر کدام به‌طرز خاصی در داخل دیگری قرار می‌گرفت.

هنرمندان مشغول تزئین تابوت‌ها می‌شدند به‌ندرت پیش می‌آمد که یک نقاشی بر روی چوب تابوت منبت‌کاری شود بلکه به‌جای آن، نقاشی به‌وسیلهٔ گچ نرم انجام می‌شد و با رنگ‌های زیبایی از مواد رنگی که در مصر یافت می‌شد آن را جلا می‌دادند. بنابراین افراد بسیاری در ساختن و آماده کردن ملزوماتی که به همراه

می‌کردند. در حضور کاهنان، جسد مومیایی شده در تابوتی باشکوه - که بر روی سورتمه‌ای که به‌وسیلهٔ دو گاو کشیده می‌شد - حمل می‌شد و سوگواران نیز پشت سورت‌مه حرکت می‌کردند. در مراسم تشییع جنازه، افرادی هم بودند که هدیه‌هایی را حمل می‌کردند تا در آرامگاه قرار دهند. آن‌ها اعتقاد داشتند که تجهیزات مرده که مشتمل بر اسباب، وسایل، اسلحه، غذا، جواهرات، پوشاک و هر آنچه که برای راحتی و مسرت زندگی زمینی او ساخته شده بود، برای زندگی پس از مرگ وی نیز لازم و ضروری خواهد بود.

«گشایش درب تابوت» مراسم پایانی آرامگاه بود. مصریان معتقد بودند که با انجام این مراسم جسد مومیایی شده دوباره قدرت حرکت کردن، صحبت کردن و خوردن را برای ادامه زندگی خود در جهان دیگر به‌دست می‌آورد. لذا ضروری می‌دانستند مراسم پایانی را که به‌منظور ذخیرهٔ مجدد اعمال شخص انجام می‌شد کاهنان انجام دهند.

سپس مومیایی در داخل آرامگاه گذاشته و در تابوت مهر و موم می‌شد. کتابچهٔ اموات و هدیه‌هایش در کنار وی قرار می‌گرفت و در این هنگام کاهنان در لباس خدایان اطمینان حاصل می‌کردند که هیچ روح شیطانی وارد آرامگاه نشده است. براساس اعتقاد مصریان آئین تدفین مومیایی (که خود ظاهراً عمل مقدسی برای آرمزش مرده تلقی می‌شد) به‌طور حتم اطمینان نمی‌داد که شخص مرده وارد حیات بعد از مرگ شده است یا نه. لذا در جهان دیگر، مومیایی ابتدا در حضور گروهی که متشکل از ارواح چهل و دو نفر از اجداد او بودند ظاهر می‌شد و نزد آن‌ها شهادت می‌داد که زندگی درستی در زمان حیات خود داشته است، سپس در آزمایش پایانی «آزیریس»^۱ پادشاه جهان پس از مرگ - قلب وی بر روی ترازویی بسیار دقیق که

شخص مومیایی در تابوت قرار می‌گرفت همکاری می‌کردند.

کار بسیار مهم دیگری هم که می‌بایست در طی مدت هفتاد روزه عمل مومیایی انجام می‌شد، نوشتن متن‌هایی بود که در تابوت قرار می‌گرفت. این متن‌ها که در حال حاضر به «کتابچه اموات»^۲ معروفند، بر روی طومارهای پاپيروس که طول آن‌ها متفاوت بود و حتی طول بعضی از آن‌ها به یک‌صد فوت می‌رسید نوشته می‌شد. این نوشته‌ها به‌وسیلهٔ رنگ‌های متفاوتی نقاشی می‌شد. بخش‌های مختلف کتابچه اموات اطلاعات ضروری فرد در غلبه بر مشکلات خود و تلاش‌های وی برای کسب اجازة و ورود به دنیای پس از مرگ را شامل می‌شد. در مراسم تشییع جنازه کاهنان، اقوام، دوستان، خدمتکاران و سایر سوگواران، جسد مومیایی شده را تا آرامگاه همراهی

تمام می‌شد، کارگاه مومیایی تمیز می‌شد و تمام موادی که در انجام عمل مومیایی به‌کار رفته بود برای نگهداری در آرامگاه در کوزه‌ها قرار می‌گرفت. این کار خوبی بود زیرا مومیگران مصری افراد بادقتی نبودند و لذا، مثلاً اگر انگشت یا گوشه‌ی، در طی مراحل دراز مومیایی، به‌جا می‌ماند معمولاً همراه با اضافات نمک و تکه‌های لفاف باقی‌مانده جمع‌آوری می‌شد و در کوزه‌ها قرار می‌گرفت.

اما مومیایی کردن جسد، تمام اعمالی را که در طول دورهٔ هفتاد روزه انجام می‌شد در بر نمی‌گرفت. هنرمندانی که تعداد آن‌ها به یک‌صد نفر می‌رسید نیز در تمام فعالیت‌های ضروری در عمل کفن و دفن شرکت می‌کردند. ساخت و تزئین آرامگاه اگر قبلاً به‌وسیلهٔ خود شخص مرده در طول عمرش انجام نشده بود کار بسیار بزرگی را



در مراسم تشییع جنازه کاهنان، اقوام، دوستان،

خدمتکاران و سایر سوگواران، جسد مومیایی شده را تا

آرامگاه همراهی می‌کردند. در حضور کاهنان، جسد

مومیایی شده در تابوتی باشکوه - که بر روی سورت‌مه‌ای

که به‌وسیلهٔ دو گاو کشیده می‌شد حمل می‌شد و

سوگواران نیز پشت سورت‌مه حرکت می‌کردند



بر روی کفۀ دیگر آن یک «پر»^{۱۱} - که نماد درستی و واقعیت بود - قرار داشت، وزن می‌کرد و «آنویس»^{۱۲} - همان ملک‌الموت که در طول عمل مومیایی ریاست جلسه را بر عهده داشت - عمل وزن کردن را انجام می‌داد. در این هنگام «توت»^{۱۳} - الهه ثبت اعمال - نتیجه را روی لوحی ثبت می‌کرد. اگر قلب مرده از این امتحان سرفراز بیرون می‌آمد، یعنی وزن قلب او و پر یکی بود، در این صورت او رهسپار بهشت برین می‌شد و اگر چنین نبود روح او محکوم به سیر همیشگی در حیات زمینی می‌گردید.

اجساد «دودمان مصریان قدیم»^{۱۴} را در زمین‌های شنی دفن می‌کردند و کوزه‌های سفالی را که محتوی غذا بود در اطراف جسد قرار می‌دادند. اجساد را به پهلوی می‌خوابانیدند و آن‌ها را در حصیری می‌پیچانیدند. بعداً اموات را در سبدهای کلفت، جعبه‌ها یا تابوت‌های سفالی یا در غارهای طبیعی کوچک که در پای صخره‌ها در دره نیل وجود داشت قرار می‌دادند. تا ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح افراد مهم، مکان‌هایی را برای خودشان در صخره‌ها می‌تراشیدند که اغلب تاقچه‌هایی داشت که تابوت در آن قرار می‌گرفت. لذا از همین جا طرح آرامگاه مصریان که شامل دو بخش اساسی بود شکل گرفت. بخشی از آرامگاه برای نگهداری جسد و بخش دیگر برای

نگهداری ملزومات شخص مرده در نظر گرفته می‌شد.

معروف‌ترین آرامگاه‌های مصری، آرامگاه‌های عصر هرم‌اند. (۲۸۰۰ - ۲۲۵۰ ق. م). طرح اولیه این آرامگاه‌های بسیار بزرگ، که همانند خود مصر معروف هستند، از سکوهای کوچکی به نام «مصطبه»^{۱۵} - واژه عربی به معنی سکو - گرفته شد که نشان‌دهنده ساختار تمامی آرامگاه‌هاست. آرامگاه‌های مصطبه ساختمان‌های کوچک و مستطیل شکلی بودند که از آجر و سنگ بر روی صخره سنگ‌ها ساخته می‌شدند. این عمارات از مجموعه تالار یا اتاق‌هایی تشکیل می‌شد که یکی از اتاق‌های مخفی آن برای نگهداری مجسمه شخص مرده مورد استفاده قرار می‌گرفت. دیوارهای آهکی در حجره‌های سفارشی آرامگاه‌های مصطبه با مناظر زیبایی که خیلی ریز تراشیده شده بودند، منقش شده و به‌طور اساسی رنگ می‌شدند. هنوز هم بعضی از آن رنگ‌ها باقی مانده است. بیشتر اطلاعات ما از آن دوران، از همین مناظر و عکس‌هایی است که به‌طور خیلی دقیق و ماهرانه نقاشی شده‌اند و معاصر با آن دوران هستند. آرامگاه‌های مصطبه در اکثر مواقع به نجیب‌زادگان و فراعنه - که اهرام ماندگار را ترجیح می‌دادند - متعلق بود. اهرام معروف «جیزه»^{۱۶} که به آرامگاه‌های

پادشاهان سلسله چهارم فرعون‌ها تعلق دارد، از حیرت‌انگیزترین آرامگاه‌های هرمی هستند. مصریان در عصر اهرام نیز اموات خود را مومیایی می‌کردند. در حال حاضر مومیایی‌هایی وجود دارد که به دوره ماقبل عصر اهرام برمی‌گردد. اموات سلسله‌های قبلی، در آرامگاه‌های مخصوص خود به پهلوی خوابانده می‌شدند و مومیایی می‌شدند. در حالی که در عصر اهرام شخص مرده را به پشت می‌خوابانیدند و تمام هیكل او را مومیایی می‌کردند و در آرامگاه‌هایی که همانند خانه شخص مرده بود، تدفین می‌کردند. در روزگاران قدیم تنها پادشاهان بودند که فرصت نائل شدن به حیات متعالی پس از مرگ را پیدا می‌کردند. متن‌های مذهبی بر روی سنگ دیوارهای آرامگاه شخص مرده کنده‌کاری می‌شد تا به او کمک کند تا وی رهسپار بهشت شود. این متن‌ها اکنون به متن‌های هرمی معروف‌اند و بر روی دیوارهای اهرام پادشاهان سلسله پنجم و ششم در «ساکارا»^{۱۷} (ستاره) که از اهرام جیزه کوچک‌تر بوده و شکوه و عظمت کمتری دارند که شامل قدیمی‌ترین مجموعه متن‌های مذهبی مصر است که تا به حال پیدا شده است. اگر چه برای نجیب‌زادگان عصر هرم نیز تدفین باشکوهی صورت می‌گرفت اما در آرامگاه‌های آن‌ها هیچ متن مذهبی پیدا نکرده‌اند.

تا زمان پادشاهان عصر میانی (۲۱۰۰-۱۷۸۰ ق.م) دوره پس از مصطبه‌ها و اهرام، آرامگاه‌ها و بخش‌های وابسته به آن‌ها از سنگ‌هایی که در حوالی رود نیل یافت می‌شد درست می‌شدند. گاهی اوقات آرامگاه شخص مرده در مقابل یا در زیر عمارت او بنا می‌شد که این عمارت نیز به‌عنوان عبادتگاه یا مذبحه مورد استفاده قرار می‌گرفت. مومیایی در عصر پادشاهان میانی در سمت چپ در تابوت چوبی مستطیل شکل که به متن‌های مذهبی منقش شده بود قرار می‌گرفت. این متن‌ها گزیده‌ای از متن‌های عصر اهرام بودند که اعتقادات و نمادهای تازه به آن اضافه می‌شد. قسمت فوقانی بدن بعضی از این مومیایی‌ها با ماسک و پوشش مقوایی پوشانده می‌شد. این پوشش‌های مقوایی که لایه‌هایی از کتان یا پاپیروس بود آغشته به قیر و به شکل انسان ساخته شده و رنگ می‌شدند. گاهی اوقات تمام مومیایی در چنین پوششی قرار می‌گرفت. بالاخره این روند منجر به این شد که خود تابوت‌ها به شکل مومیایی ساخته شوند.

در عصر سلسله هجدهم (۱۵۴۶-۱۳۱۹ پیش از میلاد مسیح) این نوع مومیایی تابوت مورد استفاده عموم واقع می‌شد. متن‌های مذهبی که برای اموات نوشته می‌شد از عناوین مذهبی اهرام باستان نشئت می‌گرفت و تبدیل به کتابچه کامل اموات می‌شد که بر روی طومارهای پاپیروس نوشته می‌شد و با مومیایی در آرامگاه قرار می‌گرفت و فصول مختلف این کتاب با تصاویر رنگی بر روی تابوت نقاشی می‌شد.

یک شخص بلندمرتبه یا ثروتمند (و وابستگان او دست به دست) مجموعه‌ای از دو یا سه تابوت داشت که در داخل یکدیگر از کوچک به بزرگ به طرز ماهرانه‌ای قرار می‌گرفتند. تابوت بیرونی اغلب به شکل مومیایی سنگ‌تراشی شده

بود یا از نوع تابوت سنگ آهکی بسیار بزرگ بود. در اواخر این دوره با آزادی مفاهیم مذهبی، امتیاز زندگی پس از مرگ در بین افراد پایین‌تر از پادشاهان و نجیب‌زادگان گسترش یافت و این موضوع بر روی مومیایی‌ها نیز جلوه‌گر شد. در این مراسم پادشاهان و بزرگان به تصور اینکه شخص مرده حضور آن‌ها را قبول می‌کند کلاه‌هایی را بر سر خود می‌گذاشتند.

در طول دوران سلسله هجدهم و نوزدهم مقبره‌هایی که از سنگ تراشیده می‌شد در آرامگاه‌های مشهور پادشاهان در دره‌های «تبس»^{۱۸} به اوج و کمال خود رسید. این آرامگاه‌ها دارای راهروها، حجره‌ها و سالن‌هایی بود که طول آن‌ها به صدها فوت می‌رسید. دیوارهای آن‌ها با متن‌ها و مناظر مذهبی و کتیبه‌ها و تصاویری که از تمام لحظات زندگی او کشیده شده‌اند پوشانده می‌شد. عمل مومیایی با گذشت قرن‌ها تغییر می‌کرد، کاربرد کوزه‌ها به‌عنوان مخزن نگهداری در طول سلسله بیست و یکم (۱۰۸۵-۹۴۵ قبل از میلاد) قطع شد و امعا و احشا در بسته‌هایی پوشانده می‌شدند و در بدن فرد قرار می‌گرفتند. حفره‌هایی که بر روی بدن خشک شده وجود داشت با قرار دادن لایه‌هایی از کتان در زیر پوست به طرز ماهرانه‌ای پر می‌شدند. از این دوره به بعد هنر ساخت مومیایی‌های خوب به تدریج رو به زوال گذاشت و تا ۱۵۰ سال به همین منوال ادامه یافت. بنابراین در آن هنگام کمترین توجه به وضعیت بدن معطوف می‌شد و بیشتر به لغاف‌پیچی اهمیت می‌دادند.

در عصر رومی‌ها (سی سال پس از میلاد مسیح) یک نوع تابوت مجلل مورد استفاده قرار می‌گرفت که با پوششی مقوایی ساخته و با تصویری خیالی از مرده نقاشی می‌شد. در همان زمان تابوت‌سازها، تابوت‌های ساده‌ای از جعبه‌های مقوایی می‌ساختند و لایه‌ای از قیر بر روی آن‌ها می‌کشیدند.



گاهی اوقات عکس رنگی از مرده در داخل تابوت بر روی صورت مومیایی نصب می‌شد. طبیعتاً ثروت همیشه عامل مهمی بود که در مومیایی و تدفین افراد نیز نمود خود را نشان می‌داد. اگرچه اسناد مربوط به قسمت واقعی عمل مومیایی در دست نیست، اما «دیودوروس»^{۱۹} مورخ یونانی که به مصر سفر کرده بود در نوشته‌های خود

تعجب نیست که ما در نزدیکی شهرهای باستانی مصر گورستان‌های بزرگ که مختص دفن حیوانات بود پیدا می‌کنیم. معمولاً در هر گورستان فقط یک نوع حیوان دفن می‌شد. در کنار هر یک از این گورستان‌ها، معبدی برای پرستش خدایان مخصوص همان حیوان که در آنجا دفن شده بود بنا می‌شد. اما به‌طور دقیق

تمام مراسم بودند. در مورد دولت‌مردان محبوب، بخشی از درآمد آن منطقه صرف حفاظت و نگهداری آرامگاه آنان می‌شد. همچنان که تعداد اجداد متوفیان و دولت‌مردان زیاد می‌شد، به هر حال به‌دنبال آن هزینه نگهداری آرامگاه‌ها نیز افزایش می‌یافت. لذا آرامگاه‌های قدیمی به فراموشی سپرده می‌شد و بیشتر توجه‌ها به آرامگاه‌های تازه معطوف می‌گشت. بنابراین ساکنان زنده مصر باستان با تمام اعتقادی که به حفظ و نگهداری مومیایی خودشان داشتند به‌طور مداوم با آرامگاه‌هایی برخورد می‌کردند که مورد غفلت واقع شده و غارت می‌شدند. دلیل این کار این بود که دزدان، دست به دزدی و غارت می‌زدند. مدارک و شواهدی وجود دارد که حاکی از دست‌برد به آرامگاه‌های سلطنتی و تنبیه غارتگران می‌باشد. یک باستان‌شناس به ندرت می‌تواند مقبره‌ای را پیدا کند که غارت نشده باشد.

پی‌نوشت‌ها

1. Anthony's Egyptology, The mummy/ page
2. Twin
3. ka
4. Soul
5. Mummy
6. Mumiyah
7. Canopic Jars
8. Natron
9. Book of the Dead
10. Osiris
11. Feather
12. Anubis
13. Thoth
14. The pre- Dynastic Egyptian
15. Mastaba
16. Giza
17. Sakara
18. Thebes
19. Diodorus
20. Theriomorphic
21. Memphis
22. Apis

<http://www.osirisweb.com/egypt/mummy.htm>

منبع

حیوانات نیز مومیایی می‌شدند. لذا توجه زیاد به باندپیچی حیوان می‌شد و از این رو خیلی راحت نوع حیوان قابل تشخیص بود. اغلب مومیایی این نوع حیوانات را در تابوت‌های «تریومورفیک»^{۲۰} قرار می‌دادند. مومیایی‌هایی از شغال‌ها، گربه‌ها، لک‌لک‌ها، مارها، مارمولک‌ها، بزهای کوهی، شاهین‌ها، گاوها، گوسفندان، بابون‌ها، کروکودیل یا سوسمار، گوریل‌ها و غیره وجود دارد. در بعضی از مکان‌ها آرامگاه حیوانات همانند آرامگاه گاوهای آپیس در «ممفیس»^{۲۱} یافت می‌شد. آرامگاه گاوهای «آپیس»^{۲۲} که به عصر سلسله هجدهم و بعد از آن برمی‌گردد دارای گذرگاه‌های زیرزمینی و گنبد‌های سنگی است که بعضی از آن‌ها تا سی و شش متر طول دارد. بسیاری از این گاوها را در تابوت‌های سنگی بسیار بزرگ قرار می‌دادند.

آرزوی هر مصری این بود که پیکری مومیایی شده و یک آرامگاه همیشگی باشکوه داشته باشد. فرزندان شخص متوفی عهده‌دار حفظ و نگهداری این بارگاه در روی زمین می‌شدند و شاهد و ناظر

اشاراتی به هزینه تدفین می‌کند. براساس نقل دیودوروس هنگامی که او به مصر سفر کرده سه نوع تدفین از لحاظ هزینه وجود داشته است. نوع اول که بسیار گران بوده در حدود ۶۶ پوند نقره قیمت داشته، (یک تالانت) نوع دوم یک سوم این قیمت (۲۰ می‌ناس) و نوع سوم بسیار ارزان بوده است. مقبره‌های افراد عادی حجره نداشت.

آن‌ها تابوت‌ها را در تورفتگی‌های سنگ‌های بزرگ یا در سوراخ‌های باریک روی سنگ‌هایی که روی زمین قرار داشتند می‌گذاشتند. مومیایی فقرا در ظروف معمولی که گاهی همراه با تابوت و گاهی بدون تابوت بود قرار داده می‌شد. پیکر افرادی که اصلاً پول نداشتند در یک مراسم سرسری و معمولی تمیز می‌شد و گاهی اوقات پارچه‌ای به آن می‌پیچاندند و در شنزار دفن می‌کردند.

به اعتقاد مصریان هر ربه‌النوع به شکل یک حیوان متصور می‌شد و تقریباً هر ربه‌النوع در ذهن آن‌ها یک پرنده و یا حیوانی را تداعی می‌کرد. بنابراین جای